

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

تاریخی	Historical
--------	------------

کاندیدای اکادمیسین سیستانی

تاریخ ۲۰۰۸ / ۱۱ / ۱۶

نقش سردار سلطان احمد خان در قیام کابل (۳)

اعقاب سردار سلطان احمد خان سرکار:

سردار سلطان احمدخان سرکار، سه خانم داشت و از این سه خانم صاحب چهار پسر و سه دختر بود. نام های پسرانش:

۱- سردار شهنواز خان سرکار

۲- سردار شیر احمدخان سرکار، در جوانی فوت کرد.

۳- سردار سکندر خان سرکار

۴- سردار عبدالله خان سرکار

۱- **سردار شهنواز خان سرکار**، بعد از مرگ پدرش در هرات به ادامه مقاومت در مقابل جد خود امیر دوست محمد خان تخمین ناپنجاه روز دیگر ادامه داد و سرانجام بزرگان هرات بدون مصلحت او دروازه های شهر را بروی سپاه کابل باز کردند و شهر در تصرف نیروهای امیر دوست محمد خان درآمد. (۲۷ می ۱۸۶۳)

نویسندگان خارجی از شهنواز خان به عنوان "**بیرگید جنرال**" یاد کرده نوشته اند که وی از خانم اول سردار سلطان احمد (دختر سردار محمد عمرخان) متولد شده بود. سردار شهنواز خان ابتداء با سلطنت بیگم دختر سردار سلطان محمد خان طلائی ازدواج نمود و بعد در ایران با یک خانم ایرانی ازدواج کرد. وی صاحب دوپسر بود: یکی عبدالرحمان خان از خانم سلطنت بیگم و دیگری عبدالحق خان از خانم ایرانی بودند. شهنواز خان دو دختر نیز داشت: یکی معصومه از دختر سلطان محمد طلائی و دیگری بلقیس بیگم از خانم ایرانی. بلقیس بیگم با پسر عمویش **سردار عبدالعزیز خان** پسر سردار عبدالله خان سرکار، ازدواج کرد که از او **سردار عبدالحسین عزیز** به ظهور رسید.

عبدالرحمان خان پسر بزرگ شهنوازخان، با بی بی هوا دختر سردار شریف خان ازدواج کرد که از او صاحب دو پسر و یک دختر شد. پسرانش عبدالرحیم خان و عبدالکریم خان نام داشتند و دخترش حمیرا بیگم بود که با سردار محمد رفیق خان ازدواج کرد و سردار محمد رفیق خان صاحب شرکت رفیق، یگانه فرزند سردار محمد صادق خان بود که در ۱۹۲۷ درگذشت.

۲- **سردار سکندر خان** (از دختر امیر دوست محمدخان نواب بیگم) بود. او ابتداء با بی بی جان دختر بزرگ محمد صدیق خان بارکزائی ازدواج کرد. و بار دوم با یک خانم از طایفه الکوزائی ازدواج نمود. سکندر خان صاحب یک دختر به نام شهنواز بیگم و دو پسر: یکی عبدالوحید خان و دیگری تاج محمدخان بود. شهنواز بیگم، به عقد سردار محمد امین جان ابن امیر عبدالرحمان خان درآمد.

داکتر عبدالله عزیز فرزند عبدالحی عزیز، ضمن صحبت تلفونی برای من حکایت کرد که سردار شهنواز خان بعد از الحاق هرات به کابل، به تهران و سردار سکندر خان به روسیه رفتند. در روسیه سکندر خان به حیث معلم شمشیر جنگی در دربار تزار استخدام شد. باری میانه وی با پسر تزار بر سر خانمی برهم خورد و قرار شد برای اثبات حقانیت خود به جنگ دوئل بپردازند. روسها از بیم اینکه مبادا او پسر تزار را زخم بزند، به او اخطار دادند که قبل از مسابقه دوئل از روسیه خارج شود. و او به فرانسه رفت و مدتی در فرانسه زندگی کرد. سردار شهنواز خان از تهران نامه ای به او فرستاد تا به تهران بیاید و از خانواده خود سرپرستی نماید. سکندر خان به تهران رفت و شهنواز خان بعد

از شش ماه فوت کرد و او مطابق عنعنۀ افغانی با خانم برادر عقد می بندد و متکفل خانواده برادر نیز میشود و پسرشهنواز خان به هند می رود.

۳- سردار عبدالله خان سرکار، پسر کوچک سردار سلطان احمد خان (و نواسۀ دختری امیر دوست محمد خان) بود. سردار عبدالله خان در جنگ میوند شرکت جستۀ و افتخار پیروزی بر قشون انگلیس را کمائی کرد، مگر در جنگی که به هواداری از سردار ایوب خان با امیر عبدالرحمان خان در ۲۲ اگست ۱۸۸۰ در گرشک بسر آورد کشته شد. از سردار عبدالله خان پنج پسر و سه دختر بر جای ماندند:

۱- عبد الرسول خان سرکار

۲- عبد الحسین خان سرکار

۳- عبد المجید خان سرکار، پدر عبدالرشید خان سرکار و ودو دختر بنامهای ماهپور و بیگم و زرین بیگم بود.

۴- عبد الکریم خان سرکار برادر عینی عبدالمجید خان بود.

۵- عبدالغفور خان سرکار، از ۱۹۱۷-۱۹۲۱ حاکم غوربند بود و بعد در سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۹ حاکم مقر بود.

واما سردار عبدالرسول خان سرکار، متولد ۱۸۷۵، در عهد امانی از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۲ به عنوان نمایندۀ سیاسی افغانستان به دربار بخارا ماموریت داشت. و بعد از ۱۹۲۲ تا ۱۹۲۵ به حیث قونسول در پاریس و سپس به حیث قونسول در برلین از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۹ ایفای وظیفه نمود. عبدالرسول خان با عایشه بیگم دختر نورالدین خان قاضی قندهار ازدواج کرد و از او صاحب سه پسر و دو دختر شد:

۱- عبد القدير خان سرکار

۲- جنرال عبدالرؤف خان سرکار

۳- داکتر عبدالقیوم خان سرکار

داکتر عبدالقیوم با فرخ بیگم، دختر امیر حبیب الله خان سراج ازدواج نمود. و از او صاحب دو پسر و یک دختر شد. دخترش محبوبه بیگم و پسرانش یکی **عبدالله خان سرکار** و دیگرش **داکتر زلمی رسول** است که طبیب و مشاور ظاهر شاه در روم بود و اکنون وزیر امور امنیت ملی، در دولت حامد کرزی است.

پسر سوم عبدالرسول خان، **جنرال عبدالرؤف رسول** بود که با راضیه بیگم دختر عبد الحسین خان عزیز ازدواج نمود.

و از او صاحب یک پسر بنام عزیز خان سرکار و یک دختر بنام سیما جان شد. سیما با نصیرالدین علومی ازدواج کرد. **ولی سردار اعلی عبدالعزیز خان سرکار** (متولد ۱۸۷۸) پسر دوم سردار عبدالله خان سرکار بود. (۲۶) چون سردار عبدالله خان به هواداری سردار ایوب خان به مقابل امیر عبدالرحمان خان جنگیده و کشته شده بود، بنابراین عبد العزیز (بقول داکتر عبدالله عزیز) در سنین کودکی از کابل با پای پیاده خود را به هرات و بعد به مشهد رسانید و به ادارات امنیتی مشهد خود را معرفی کرد و تقاضا نمود او را به تهران نزد عمویش سکندر خان سرکار بفرستند، اما مامورین امنیتی با دیدن سر و وضع ژولیده او باور نمی کردند که او منسوب به یک خاندان معروف افغانی باشد، معهذا به تهران به عمویش سکندر خان خریدارند و او به مشهد آمد و عبدالعزیز سرکار را با خود به تهران برد و او در آنجا در ظل حمایت عمویش درس خواند و مرد با دانشی بیبار آمد.

بقول مهدی فرخ، سفیر ایران در عهد امانی، سردار عبدالعزیز خان در زیر نظر عموی خود سردار سکندر خان فرزند سردار سلطان احمد خان بزرگ شد و از حقوقی که دولت ایران به وی می پرداخت، زندگی میکرد. او در تهران و اصفهان رشد نمود و در قزاق خانه (اردو) ایران نیز خدمت کرده است. فرخ علاوه میکند که سردار سکندر خان دو دختر داشت که نمی خواست به شوهران ایرانی بدهد، پس به امیر عبدالرحمان خان نوشت که: "دخترهای من را به هر کس میل دارید به شوهر بدهید که چون مادر شان شیعه مذهب است، در ایران مجبور نشویم که آنها را به کفار بدهیم." لهذا یکی از دخترها را به سردار امین الله جان، پسر امیر عبدالرحمان خان و دومی را به سردار عبدالعزیز خان تزویج نمود. سردار عبدالعزیز خان [وقتی به افغانستان بازگشت] ابتدا به حیث معاون فتح محمد خان (رئیس پولیس) پدر شیر احمد خان رئیس شورای دولت، مقرر گردید و بعد به سمت نمایندۀ افغانستان در کلکته ماموریت یافت. سردار عبدالعزیز خان [در عهد امانی البته به سبب لیاقت و فهم خود] به سمت وزیر مختار در تهران مقرر گردید و پس از بازگشت از تهران به حیث معین دوم و بعد به حیث معین اول وزارت خارجه تعیین شد و بعد به حیث وزیر مختار در روم منصوب گشت و از آنجا مجدداً به حیث وزیر مختار در تهران گماشته شد. فرخ میگوید: عبدالعزیز خان نسبت به تمام سفرای افغانستان شخص مطلع و فهمیده است و تعصب مذهبی ندارد. (۲۷)

با توجه به شجره نامۀ خاندان سرکار، **سردار عبدالعزیز سرکار**، با بلقیس بیگم دختر دوم جنرال شهنواز خان سرکار ازدواج کرد که از او صاحب دو پسر و دو دختر شد. پسر بزرگش **سردار عبدالحسین عزیز بود** که بعد در باره اش سخن خواهم زد. اما خود سردار عبدالعزیز خان بعد از بازگشت به وطن در سال ۱۹۰۶، ابتداء بحیث معاون و بعد به صفت رئیس پولیس کابل مقرر شد و این وظیفه را تا ۱۹۱۵ عهده دار بود. سپس از ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۷ جنرال قونسول افغانستان در کلکته بود. از ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۵ وزیر مختار در ایران و از ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۷ در ایتالیا و از ۱۹۲۷ تا ۱۹۲۸ دوباره در ایران وزیر مختار بود. در ۱۹۲۵ نایل به اخذ لقب سردار اعلی از سوی اعلیحضرت شاه امان الله گردید. (۲۸)

عبدالحسین عزیز متولد ۱۹۰۰ پسر سردار عبدالعزیز خان سرکار بود که در ایران متولد و آموزش دیده بود.

مرحوم پوهاند حبیبی میگوید که: سردار عبدالحسین عزیز، یکی از مشروطه خواهان آگاه و بادرایت عهد امانی به حساب می آید. پدرش سردار عبدالعزیز نخستین سفیر افغانستان دربار تهران بود و خودش در تهران متولد شده و در آنجا درس خوانده و شخص با سواد و مدبری بار آمده بود. او از همکاران داوی و رفقای میر سید قاسم خان بود. و در جنبش مشروطیت اول و دوم شامل و همواره سر حلقه مشروطه خواهان بود.

عبدالحسین عزیز در ۱۹۲۴ در وزارت خارجه افغانستان سرکاتب شعبه معاهدات و قونسلگری ها مقرر گردید و اندکی بعد از آن وظیفه برطرف شد و به تاسیس شرکت حمل و نقل بین پشاور و کابل پرداخت (۱۹۲۶).

در سال ۱۹۲۷ جنرال قنصل افغانستان در دهلی جدید و بعد از آن در ۱۹۲۹ به حیث قنصل افغانستان در کراچی مقرر شد. بعد از سقوط دوره امانی در سال ۱۹۳۰ - ۱۹۳۳ به حیث سفیر افغانستان در روم مقرر گردید و در سالهای بعد به مقامات بلند سفارت و وزارت باقی ماند. در سال ۱۹۳۳ نماینده افغانستان در کنفرانس خلع سلاح ژنیو و در ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۷ به حیث سفیر در مسکو اجرای وظیفه کرد. از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۳ وزیر فواید عامه در کابینه محمد هاشم خان و در سال ۱۹۴۳ به حیث سفیر کبیر افغانستان در واشنگتن مقرر شد. در سال ۱۹۴۶ - ۱۹۴۹ به حیث نخستین نماینده افغانستان در ملل متحد بود. در سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۰ به حیث وزیر معارف و در سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۰ به عنوان سفیر در دهلی بود و سرانجام در سال ۱۹۶۰ زندگی را پرود گفت. (۲۹)

عبدالحسین عزیز صاحب چهار پسر بود:

عبدالحسین عزیز صاحب چهار پسر بود:

۱- محمدایوب عزیز، والی قندهار در ۱۹۷۳ بود.

۲- عبدالقدیرخان عزیز

۳- عبدالغفار خان عزیز

۴- عبدالحی خان عزیز.

عبدالحی عزیز از شخصیت های سیاسی این خانواده بود. او تحصیلات متوسطه را در لیسه استقلال کابل پیش برد و بعد تحصیلات عالی را در استرانبورگ فرانسه و نیز در لندن تکمیل نمود. بعد از ختم تحصیلات به کشور برگشت و در بانک ملی در سالهای ۱۹۳۹ - ۱۹۴۱ به کار گماشته شد. در سالهای ۱۹۴۴ - ۱۹۴۷ او به حیث رئیس فاکولته حقوق و علوم سیاسی ایفای وظیفه نمود. در سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱ معاون وزارت اقتصاد بود.

عبدالحی عزیز چون شخص دموکرات و آزادی اندیشی بود، همواره انزجار خود را از دستگاه استبدادی حکومت شاهی اظهار می نمود و بنابراین در جمعیت وطن با غبار و همزمانش در یک حلقه سیاسی به فعالیت آغاز کرد. او در تظاهرات سال ۱۹۵۲ / ۱۳۳۱ ش با غبار و محمودی و داکتر فاروق اعتمادی و برات علی تاج و عده دیگر از مشروطه طلبان اشتراک کرد و بالنتیجه محکوم به شش سال زندان شد، مگر یک سال بعد از زندان رها گردید. وی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۷ بحیث مشاور در وزارت معادن و صنایع کار کرد. در ۱۹۵۷ هنگامی که سردار محمد داود صدر اعظم افغانستان به پاکستان رسماً سفر نمود، وی در این سفر صدر اعظم را همراهی نمود. پس از آن در پست های ریاست هوایی ملکی و از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ بحیث معین وزارت پلان و از سال ۱۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴ م وزیر پلان مقرر گردید و در سال ۱۹۶۴ بنا بر عارضه قلبی به عمر ۴۹ سالگی پرود حیات گفت. (۳۰)

عبدالحی عزیز با ماهره بیگم دختر والی علی احمدخان ازدواج کرد و از او صاحب یک پسر و سه دختر شد:

پسرش داکتر عبدالله عزیز، متولد ۱۹۴۰ دارای تحصیلات عالی در سطح دکترا از پوهنتون لوزان فرانسه است. او در عرصه های علوم سیاسی و جامعه شناسی Ph.D گرفته است. او با یک خانم ایتالوی از شهر فلورانس بنام دونا ایزابل در ۱۹۷۴ ازدواج کرده و صاحب یک پسر بنام الیاس عزیز متولد ۱۹۷۴ و یک دختر به نام سارا عزیز متولد ۱۹۷۵ می باشد. الیاس عزیز در رشته اقتصاد و دخترش در رشته رسانه های گروهی تحصیل کرده اند و اکنون در کشور سوئیس در ژنیو زندگی میکنند. (۳۱)

این بود، مختصری از اعقاب و بازماندگان سردار سلطان احمد خان سرکار که اکثر شان دارای تحصیلات عالی و صاحب مناصب بلند دولتی بودند و نقش های موثری در عرصه های اداری و سیاسی داشته اند.

پایان ۱۶ / ۱۱ / ۲۰۰۸

رویکردها:

۲۶- دیده شود شجره نسب بارکزائی، سرکار در سایت <http://www.royalark.net/Afghanistan/herat.htm> که توسط آقای کرسٹوفر بایر "Christopher Buyers" طی سالهای ۲۰۰۱ تا جولای ۲۰۰۸ تهیه و ترتیب گردیده است.

۲۷- کرسی نشینان کابل، به اهتمام محمد آصف فکرت، چاپ مشهد، ص ۱۹۳ - ۱۹۴

۲۸- سایت <http://www.royalark.net/Afghanistan/herat.htm>

۲۹ حبیبی، جنبش مشروطیت، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۰۱ - ۱۰۲، و نیز <http://www.royalark.net/Afghanistan>

۳۰- سید مسعود پوهنیار، ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد. ج ۲، ص ۱۶۹، و نیز دیده شود شجره نسب سرکار در:

<http://www.royalark.net/Afghanistan/herat.htm>

۳۱- <http://www.royalark.net/Afghanistan/herat.htm>